

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزی بانک دریافت کرده اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزی بانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می توانید در عزیزی بانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین های اتومات صرافی ما بهره مند شوید.



عزیزی بانک، بانک مورد اعتماد همه

www.azizibank.af 1515

یادداشت روز

تلاش های تازه برای صلح در افغانستان؛ آنچه همسایگان باید انجام دهند

سفر رسمی صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجهی افغانستان با این توافق به پایان رسید که یک نشست شش جانبه به میزبانی روسیه در مسکو به منظور بررسی راه های صلح در افغانستان برگزار شود. قرار است در این نشست افغانستان، روسیه، پاکستان، ایران، چین و هند به صورت مشترک زمینه های تأمین صلح در افغانستان را به بررسی بگیرند.

این توافق پس از آن حاصل می شود که در ۲۷ دسامبر سال ۲۰۱۶ مسکو از نشستی میزبانی کرد که در آن نماینده هایی از چین، پاکستان و روسیه در مورد افغانستان بحث و گفت و گو کردند. این نشست با واکنش منفی دولت افغانستان روبه رو شد و وزرات خارجهی افغانستان از دعوت نشدن افغانستان در این نشست انتقاد کرد. قبل از برگزاری این نشست مجلس سنای افغانستان این نشست را نشانه یی از مداخله در امور داخلی افغانستان عنوان کرده بود.

حکومت افغانستان به دنبال توافق برسر برگزاری یک نشست شش جانبه از تلاش های مسکو به عنوان خوشبینی محتاطانه استقبال کرده است. اما همزمان با این توافق جنرال نیکلسون فرمانده نیروهای امریکایی در افغانستان از تلاش های مسکو برای همکاری با طالبان و تکیه ی این کشور به طالبان انتقاد کرده است. در حالی که حکومت افغانستان به برگزاری این نشست علاقمند است، نگرانی ها از چگونگی رابطه ی روسیه...

ادامه در صفحه ۲



دست کم ۶ کشته و ۱۵ زخمی حمله ی انتحاری خونین در هلمند

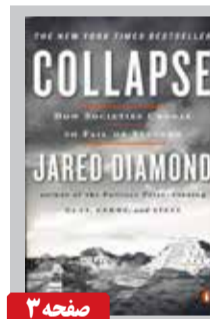
صفحه ۲



صفحه ۴

دریای خونین؛ مردم می میرند

سه روز پیش، روز جمعه، گروه سیاسی افغانستان ۱۴۰۰ پس از اعلام گزارش سالانه ی یوناما در مورد تلفات افراد ملکی، در...



صفحه ۳

فروپاشی

فروپاشی، گذشته و حال گذشته اسناد و شواهد غنامندی را در اختیار ما قرار داده، شواهدی که می توانیم از آن ها بیاموزیم چگونه دستاوردهای خود را حفظ کنیم. نوریس گرینلند فقط یکی از جوامعی است که در گذشته...

با افغان بیسیم میلیونر شوید!

1 جایزه بزرگ

1,000,000

افغانی با مصرف نمودن کدیت بیشتر چانس برنده شدن شما بیشتر میگردد!

این پیشکش از 10 فور 1396 ادامه دارد.

پیشکش ویژه تماس های داخلی

HD VOICE

تماس به سایر شبکه های داخلی

0.99 پول

هر 30 ثانیه

تماس به افغان بیسیم

0.75 پول

هر 30 ثانیه

برای اشتراک: #1*5*255 را دایل نمایید.

این پیشکش برای مشترکین سیم کارت های

2.99، تاپ سیم و یک بر سه قابل استفاده میباشد

فیس روزانه 1.98 افغانی

برای لغو اشتراک: #2*5*255 را دایل نمایید.



افغان بیسیم
AFGHAN WIRELESS

ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan



و شماری از کشورهای منطقه با گروه طالبان نیز در حال افزایش است. پس از آن‌که الکساندر مانتیسکی، سفیر روسیه در افغانستان رابطه‌ی روسیه و طالبان را تأیید کرد، نگرانی‌ها از بازی دوگانه‌ی روسیه در قبال افغانستان افزایش یافته است.

به‌رغم مخالفت‌ها و نگرانی‌هایی که در مورد همکاری روسیه و طالبان وجود دارد، روس‌ها رابطه‌شان با طالبان را به‌منظور حفاظت از کارمندان این کشور در افغانستان یک ضرورت عنوان کرده‌اند. با وجود این مسأله، آنچه روشن است، این است: مسکو طالبان را نیرو و گروهی موثرتر از حکومت افغانستان در امر مبارزه با داعش می‌پندارند و با توجه به نگرانی‌هایی که این کشور از حضور داعش در افغانستان دارد، می‌خواهد از روابط با طالبان در راستای دفع این تهدید استفاده کنند. اما حکومت افغانستان و شرکایش آن‌چنانکه جنرال نیکلسون یادآوری کرد از تلاش‌های پنهانی روسیه، ایران و پاکستان برای مشروعیت بخشیدن به گروه طالبان نگران‌اند.

با توجه به تحولات مهمی که در نوع رابطه‌ی روسیه با گروه‌های مخالف دولت افغانستان به‌وجود آمده و همچنان با توجه به توجه ویژه‌ی مسکو و شماری از کشورهای منطقه به مسأله‌ی افغانستان و تهدیدات امنیتی ناشی از فعالیت گروه‌های تروریستی در این کشور، نشست شش‌جانبه برای افغانستان این امکان را فراهم می‌کند که با کشورهای همسایه و قدرتمند منطقه برسر مسأله‌ی بی‌ثباتی و تهدیدات امنیتی مشترک در منطقه، گفت‌وگوهای روشنی را روی دست گیرد.

این نشست به افغانستان و کشورهای منطقه زمینه‌یی را فراهم می‌کند که برای اولین‌بار برسر وضعیت امنیتی افغانستان و منطقه گفت‌وگو کنند و با این گفت‌وگوها نگرانی‌های تمامی کشورهای منطقه از حضور تروریزم در منطقه آشکار شود. این نشست بایستی با درک این واقعیت که تروریزم دشمن مشترک همه‌ی کشورهاست و افغانستان قربانی اصلی تروریزم در منطقه؛ راه‌حلی را به‌منظور مبارزه‌ی مشترک با تروریزم و فشارآوردن بر حامیان تروریزم جست‌وجو نماید.

دولت قدرتمند و تواناتر کردن دولت در این کشور تنها گزینه‌ی دوامدار تأمین ثبات در افغانستان و منطقه است. درک این واقعیت که دولت موجود بخشی از تهدیدات علیه امنیت ملی کشورهای منطقه را دفع و رفع کرده است، زمینه‌ی همکاری‌های مشترک برای کشورهای منطقه در افغانستان را فراهم می‌کند. نیروهای امنیتی افغانستان در جنگ با گروه‌های تروریستی که هر کدام تهدیدی علیه ثبات منطوقی است، قربانیان فراوانی را متقبل شده است. فروپاشی دولت و ناتوانی نیروهای امنیتی در مبارزه با تروریزم، این خطر حتمی را در پی خواهد داشت که افراط‌گرایان اسلامی در افغانستان حاکم خواهند شد.

افراط‌گرایی و رشد آن در افغانستان تهدیدی علیه همه‌ی کشورهای منطقه است. دولت افغانستان تا هنوز در راستای مبارزه با تروریزم و افراط‌گرایی دینی دستاوردهای چشم‌گیری نیز داشته است. کشورهای منطقه با درک این واقعیت بایستی دولت افغانستان را در راستای تقویت نیروهای امنیتی و تلاش‌های مشترک برای قطع جنگ از راه گفت‌وگو همکاری و حمایت کنند.

این تلاش‌ها بایستی معطوف به تقویت نیروهای امنیتی افغانستان، کمک‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی به دولت افغانستان و تلاش مشترک برای قطع حمایت‌های بیرونی از جنگ افغانستان که در چند سال گذشته توسط پاکستان صورت گرفته، باشد.

عدول از این واقعیت که این جنگ در افغانستان تحمیلی و توسط کشورهای همسایه‌ی افغانستان است، تلاش‌های مشترک کشورهای منطقه را به ناکامی می‌کشاند و ناکامی در پایان بخشیدن به جنگ افغانستان، ناکامی مشترک در رفع تهدیدات امنیتی منطقه خواهد بود.

اطلاعات روز: دفتر مطبوعاتی ولایت هلمند می‌گوید که انفجار انتحاری در برابر شعبه‌ی کابل‌بانک در شهر لشکرگاه، شش کشته و ۱۵ زخمی برجای گذاشته است.

در اعلامیه‌یی که این دفتر به نشر رسانده، آمده است که ۵ سرباز ارتش و یک کودک شهید و شش سرباز، چهار زن و سه کودک دیگر زخمی شده‌اند.

اما عمر زواک، سخنگوی والی هلمند به رسانه‌ها گفته است که در اثر این حمله هشت فرد ملکی و نظامی کشته شده و بیست فرد ملکی و نظامی دیگر زخمی شده‌اند.

در همین رابطه مسئولان صحت عامه‌ی ولایت هلمند گفته‌اند که جسدهای ۱۱ کشته و ۲۱ زخمی به شفاخانه‌های مرکز و ایمرجنسی لشکرگاه انتقال داده شده است.

این انفجار بعد از ظهر روز شنبه، ۲۳ دلو توسط یک موتر مملو از مواد منفجره هنگامی انجام شد

دست کم ۶ کشته و ۱۵ زخمی

حمله‌ی انتحاری خونین در هلمند

که شماری از اعضای ارتش برای گرفتن حقوق خود به کابل‌بانک رفته بودند. طالبان مسئولیت این انفجار را به عهده گرفته و گفته‌اند که در این انفجار انتحاری ۳۹ سربازی که برای گرفتن حقوق خود به بانگ رفته بودند، کشته شده‌اند.

در واکنش به این رویداد ارگ ریاست‌جمهوری اعلامیه‌یی منتشر کرده و در آن گفته است که دشمنان صلح و آرامش مردم افغانستان یکبار دیگر به اشاره‌ی بیگانگان دست به جنایت زده و با انجام حمله‌ی تروریستی شماری از هم‌وطنان ما را به خاک‌وخون کشانده‌اند.

رییس‌جمهور غنی ضمن محکوم نمودن شدید این حمله، گفته است که دشمنان افغانستان باید بدانند که با انجام این‌گونه حملات وحشیانه به اهداف شوم‌شان نخواهند رسید و هیچ‌گونه خللی را در عزم و اراده‌ی مردم برای داشتن یک کشور متریقی و مرفه، وارد نمی‌توانند.

واردات بی‌سابقه‌ی سگرت؛ ۳۹۱ میلیون قوطی سگرت در یک سال

در این زمینه مد نظر بوده باشد، وارد کشور شده است.

به نقل از کلید گروپ، در میان کشورهای صادرکننده‌ی سگرت به افغانستان، کوریای جنوبی با صادرات نزدیک به ۳۰ میلیون دالر در جایگاه نخست، قزاقستان با صادرات بالاتر از ۵ میلیون دالر در جایگاه دوم، پاکستان با صادرات نزدیک به ۴ میلیون دالر در جایگاه سوم و جاپان با صادرات نزدیک به ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار دالر در جایگاه چهارم، قرار دارد. آلمان، چین، امریکا، امارات متحده‌ی عربی و ارمستان از دیگر صادرکنندگان بزرگ سگرت به افغانستان‌اند

که به ترتیب در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. درحالی که واردات سگرت به کشور افزایش یافته است، اما از مصرف‌کنندگان آن آساری در دسترس نیست. وزارت صحت عامه آمارهایی را که به‌دست دارد مربوط سال ۱۳۹۰ خورشیدی است که براساس آن تعداد افرادی که سن‌شان بالاتر از ۱۵ سال‌اند و تنباکو مصرف می‌کنند، ۳۵٫۲ درصد از باشندگان افغانستان را تشکیل می‌دهد.

براساس آمار وزارت صحت عامه، نزدیک به ۵۰ درصد از مردم افغانستان با دود غیرمستقیم سگرت در تماس‌اند.

رییس‌جمهور به امارت متحده‌ی عربی رفت

عربی سفر می‌کند که شام روز سه‌شنبه، ۲۱ جدی وقوع انفجاری در مهمان‌خانه‌ی والی قندهار جان ۱۲ تن را گرفت و ۱۴ نفر دیگر را زخمی ساخت. پنج دیپلمات امارت متحده‌ی عربی، عبدالعلی شمس‌ی معاون والی قندهار، شاه احمد سعید رییس ارتباط خارجه‌ی ولایت قندهار، یما قریشی دیپلمات افغان در امریکا، بازمحمد جوزجانی نماینده‌ی مجلس و دو نفر دیگر در این انفجار کشته شدند و همایون عزیزی والی قندهار، جمعه‌الکعبی سفیر امارات متحده‌ی عربی در افغانستان و ۱۲ تن دیگر زخمی شده بودند.

رییس‌جمهور غنی را در سفر امارات متحده‌ی عربی حنیف اتمر مشاور امنیت ملی، معصوم ستانکزی رییس عمومی امنیت ملی، عبدالسلام رحیمی رییس عمومی اداره‌ی امور و اجمل غنی مشاور ریاست‌جمهوری همراهی می‌کنند.

یک زن و یک پسر در یک مرکز دولتی در نورستان تیرباران شد

حمله کردند، دروازه را شکستند و این دو را بیرون کرده و به ضرب گلوله به قتل رساندند.» والی نورستان گفته است که هیأتی شامل دو مقام ارشد پولیس و رییس اداره‌ی امور زنان به محل رویداد رفته‌اند تا بررسی کنند که چه کسی در آن‌جا غفلت کرده است.

آقای قیوم گفته است که افراد مسئول تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

به گفته حافظ عبدالقیوم، زن مقتول یک ماه پیش ازدواج کرده بود و پسری که متهم به فرار با او بود، مجرد بوده است. هنوز هویت آن‌ها افشا نشده و خانواده زن هم اظهار نظری نکرده است. مقام‌های دولتی در نورستان گفته‌اند که تا حال هیچ‌کسی به اتهام دست داشتن در این رویداد بازداشت نشده است.

والی هلمند: در حمله‌ی هوایی مخالفان مسلح دولت کشته شده‌اند

اطلاعات روز: حیات الله حیات، والی ولایت هلمند می‌گوید حمله‌ی هوایی در برخی مناطق ولسوالی سنگین براساس یک هماهنگی دقیق انجام شده و افراد تلف‌شده در آن همه جنگجویان مخالف دولت‌اند.

آقای حیات به روز شنبه در یک نشست خبری گفت در نتیجه‌ی این حمله ۶۰ مخالف مسلح، شامل جنگجویان خارجی و ۸ قوماندان طالب، کشته‌شده‌اند.

عمران، حاجی زلمی، شاکر، حسین، معتصم، ملا فاروق، جاوید و شریف از جمله هشت قوماندان طالب هستند که از سوی والی

هلمند نام برده شدند.

پیشتر گزارش‌هایی منتشر شده بود که در حملات هوایی شب جمعه در ولسوالی سنگین ولایت هلمند افراد ملکی کشته شده‌اند. این حمله با حمایت قوای خارجی در نزدیکی بازار ولسوالی سنگین در مناطق چناریان و قلمیان انجام شده بود.

شماری از بزرگان و باشندگان ولسوالی سنگین مدعی‌اند که در حملات هوایی نیروهای امریکایی در سه قریه‌ی این ولسوالی ۱۹ غیرنظامی کشته و حدود ۲۰ تن دیگر زخمی شده‌اند.

اما والی هلمند می‌گوید اسناد و شواهد و معلومات اولیه نشان می‌دهند که در آن‌جا افراد غیرنظامی کشته نشده‌اند.

آقای حیات در این نشست گفت تصاویر افراد ملکی و اطفال که در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده ربطی به ولسوالی سنگین ندارد و مربوط ولایات دیگر می‌باشد که سابق منتشر شده است.

دگرمن محمد رسول زازی، سخن‌گوی قول اردوی ۲۱۵ میوند نیز به رسانه‌ها گفته است که در حمله‌ی هوایی نیروهای خارجی بالای مواضع گروه طالبان در ولسوالی سنگین و بغران هلمند ۵۶ طالب مسلح به‌شمول هشت قوماندان ارشد این گروه کشته شده‌اند.

وی نیز تلفات غیرنظامیان ساکن در این مناطق را رد کرده گرفته و گفته است که نتایج بررسی‌های هیأت حقیقت‌یاب قول‌اردوی ۲۱۵ میوند نشان می‌دهد که در نتیجه‌ی این حملات به غیرنظامیان تلفات وارد نشده است.

اما حاجی میراجان، رییس نهاد اجتماعی هلمند گفته‌های والی هلمند را نمی‌پذیرد و ادعا می‌کند که در این حادثه ۲۶ غیرنظامی کشته شده‌اند.

به نقل از رادیو آزادی، او گفته است: «برای شما معلوم است که یک وجب ولسوالی خالی از حضور طالبان نیست، آن‌ها در منازل مردم، در کنار مساجد و یا محلات مسکونی در یک اتاق زندگی می‌کنند، دولت بدون تشخیص و بی‌رحمانه چنین بمباردمان می‌کند که مورد قبول ما نیست. من نمی‌دانم که آن‌ها در اثنای بمباردمان محل را مشخص ساخته نمی‌توانند و یا چه؟»

مجید آخندزاده، معاون شورای ولایتی هلمند نیز تلفات افراد ملکی را در ولسوالی سنگین ولایت هلمند تایید کرده است.

قهرمان: مقصر تلفات غیرنظامیان نیروهای افغان نیستند

عبدالجبار قهرمان، مسئول اوپراتیفی نیروهای امنیتی در هلمند گفته است که تحقیقات‌شان در مورد حملات هوایی در سنگین تکمیل شده است.

او به رادیوی آزادی گفته است که در این رویداد غیرنظامیان کشته شده اما نیروهای افغان و خارجی مقصر آن نیستند.

او گفته است که مخالفان مسلح در خانه‌های مردم سنگر گرفته بودند و نیروهای افغان و خارجی مجبور به حملات شده بودند.

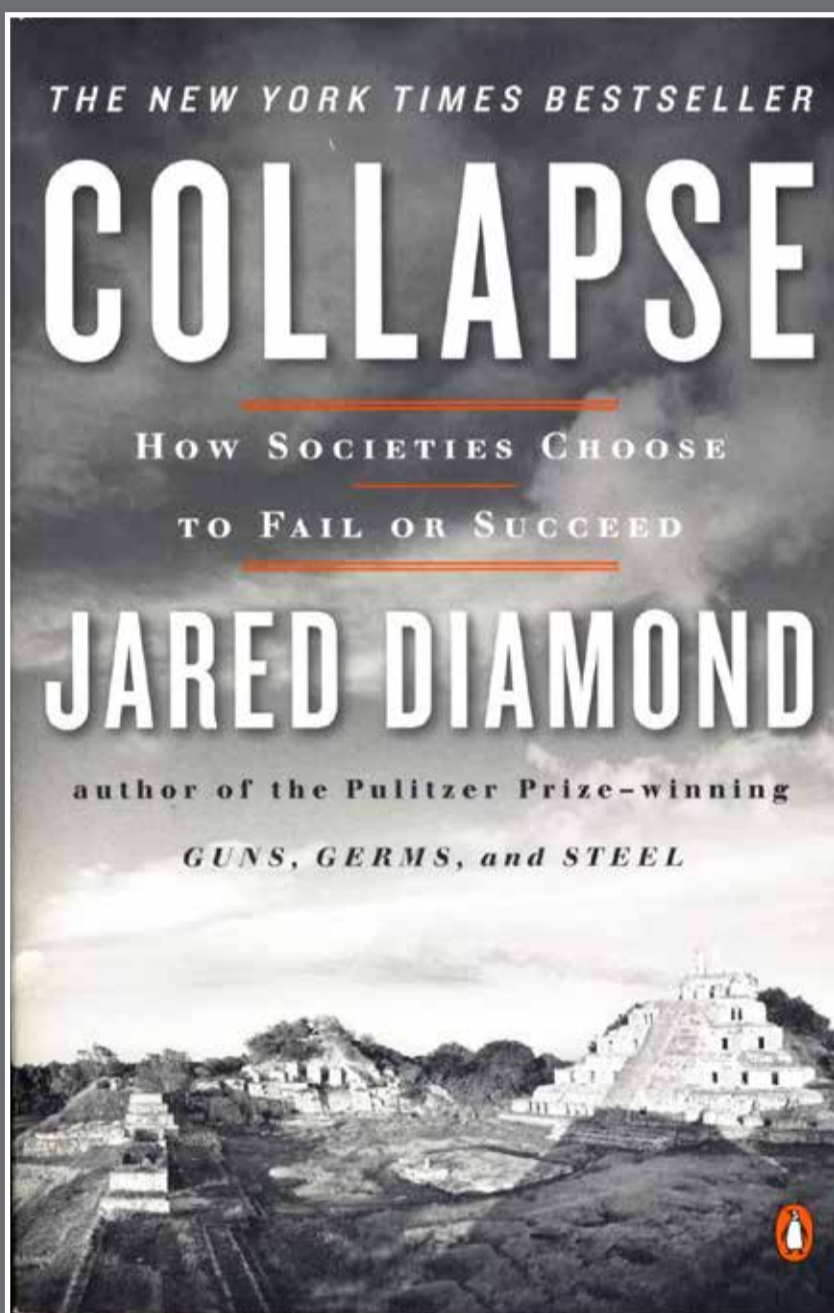
حمله‌ی هوایی در سنگین هلمند پس از آن انجام شد که جنگ در این ولسوالی اوج گرفت و جنگجویان مخالف مسلح از طریق تونل‌ها برخی از پوسته‌های نیروهای امنیتی افغان را انفجار داده و تلفات سنگینی به آنان وارد کردند.

فروپاشی



مترجم: غفار صفا

بخش دوم ■ جارد دایموند



سیاسی/اقتصادی و فرهنگی را که در دوران شگوفایی به آن دست یافته بودند از دست دادند. نویسندگان این امر را که مشابهت‌هایی میان مسیر حرکت جوامع و افراد انسانی - زایش، بلوغ، سالخوردگی و مرگ - وجود دارد و تصور اینکه ما دوران طولانی سالخوردگی را اکثر میان بلوغ و مرگ تجربه می‌کنیم که قابل انطباق با جامعه می‌باشد، و سوسه‌انگیز یافته‌اند. اما این استعاره برای بسیاری از جوامع گذشته اشتباه‌آمیز ثابت شده است (مخصوصاً در مورد جامعه‌ی مدرن شوروی): آن‌ها سریعاً پس از رسیدن به نقطه‌ی اوج و قدرت سقوط می‌کنند و این سقوط سریع باعث شگفتی و شوکه شدن باشندگان‌شان می‌شود. در مورد فروپاشی کامل، همه‌ی افراد جامعه یا مهاجر می‌شوند یا می‌میرند. در واقع، با آن‌که حرکت در این مسیر ترسناک برای همه‌ی جوامع گذشته یکسان نبوده است، جوامع مختلف به میزان‌های متفاوت فروپاشیده‌اند و تاحدودی به شیوه‌های متفاوت. درحالی‌که بسیاری از جوامع اصلاً فرو نپاشیده‌اند.

خطر یک چنین فروپاشی‌ها امروزه یکی از نگرانی‌های فزاینده است؛ در واقع، فروپاشی هم‌اکنون برای سومالی، رومند و برخی از کشورهای دیگر جهان سوم عینیت یافته است. بسیاری از مردم نگران‌اند که اکنون جنگ اتمی، و امراض در حال شیوع به‌عنوان تهدید تمدن جهانی، تحت‌الشعاع

ناخواسته را تایید می‌کنند. روندهایی که جوامع گذشته از طریق آن خود را با صدمه زدن به محیط زیست خود تخریب کرده‌اند، به هشت کتگوری تقسیم می‌شوند، که اهمیت نسبتی‌شان مورد به مورد از هم متفاوت‌اند: تخریب سرپناه و قطع جنگلات، مشکلات خاک (فرسایش، شوره، ناپاروری)، مشکلات در سیستم آبیاری، شکار و ماهی‌گیری بی‌رویه، تأثیرکشت انواع بیگانه درکنار انواع بومی، رشد میزان جمعیت، و تأثیر درآمد سرانه‌ی مردم.

جوامعی که در گذشته فروپاشیده‌اند تاحدودی تجربه‌های مشابهی را از سرگذرانیده‌اند. رشد جمعیت باعث رو آوردن مردم به تولید بی‌رویه‌ی کشاورزی شده بود (مانند دو برابر شدن کشت سبزیجات، آبیاری و به‌کارگرفتن زمین‌های شیب‌دار) و توسعه دادن کشتزارهای اولیه به‌سوی حواشی آن به‌خاطر تغذیه‌ی تعداد رو به افزایش دهن‌های گرسنه. رفتارهای بی‌رویه، تخریب یکی یا بیشتر از منابع محیط زیستی را بارآورده و موجب می‌شد تا اراضی حاشیه‌یی بار دیگر به ویرانه مبدل شوند. پی‌آمدهای اجتماعی آن عبارت بودند از کمبود مواد غذایی، گرسنگی، بروز جنگ‌ها بر سر منابع و سرنگون شدن دولت‌ها در اثر نارضایتی مردم. سرانجام، جمعیت انسانی در اثر فقر، جنگ و یا امراض کاهش یافته و جوامع ساختارهای مناسب

فروپاشی، گذشته و حال

گذشته اسناد و شواهد غنماندی را در اختیار ما قرار داده، شواهدی که می‌توانیم از آن‌ها بیاموزیم چگونه دستاوردهای خود را حفظ کنیم. نوسر گرینلند فقط یکی از جوامعی است که در گذشته فروپاشیده یا از بین رفته‌اند، و ویرانه‌هایی را از خود به یادگار گذاشته‌اند، مانند آنهایی که شلی دراشعار خود «آزیماندیس» (از مجموعه ادبیات رمانتیک ساده‌ی نوزدهم بریتانیا که با الهام از مشاهده‌ی مجسمه‌ی رامسس دوم مصر، موجود در موزیم ملی بریتانیا سروده شده - مترجم) آنها را به تصویر کشیده است. منظور من از فروپاشی عبارت است از کاهش شدید میزان جمعیت انسانی و چالش‌های سیاسی/اقتصادی و اجتماعی در یک حوزه‌ی مورد ارزیابی برای یک دوره‌ی طولانی است. بنابراین، پدیده‌ی فروپاشی عمده‌ترین شکل چندین نوع زوال تدریجی است. و این امر کم‌کم می‌کند تا سرعت و شدت زوال یک جامعه را پیش از فروپاشی کامل آن بدانیم. برخی از آن انواع فروپاشی‌های خفیف‌تر و تدریجی شامل رشد و سقوط شانس‌ها و بازسازی‌های کوچک و جزئی در یک جامعه‌ی خاص می‌گردد؛ پیروزی برخی از جوامع بستگی دارد به رشد همسایه‌ی نزدیک و یا پیروزی و شکست آن همسایه بدون اینکه به کاهش میزان جمعیت یا تغییرات کل منطقه رابطه داشته باشد؛ و تعویض یا کنارزدن رهبران حاکم توسط دیگران. بر اساس این معیارها، بسیاری‌ها ممکن این جوامع گذشته را به‌عنوان بارزترین آماج‌های فروپاشی کامل به‌جای فروپاشی‌های آرام و تدریجی ارزیابی کنند: آناسازی و تپه‌های کاهوکیا در قلمرو امریکای معاصر، شهرهای مایا در امریکای مرکزی، جوامع موکه و تیاخواناکو در امریکای جنوبی، اهالی مسین قدیم یونان و جزیره‌ی کرت در اروپا، زیمبابوی بزرگ در افریقا و انکوروات و هراپه در آسیا و جزیره‌ی ایستر در دریای پاسیفیک (نقشه ص ۴-۵).

ویرانه‌های به‌جامانده از جوامع گذشته اشتیاقی رمانتیک برای همه‌ی ما ایجاد نموده است. وقتی به‌عنوان یک کودک از طریق تصاویر چیزهایی درباره‌ی این ویرانه‌ها می‌آموزیم، تعجب می‌کنیم، وقتی بزرگ شدیم به‌عنوان یک گردشگر می‌خواهیم آن‌ها را از نزدیک تجربه کنیم. حس می‌کنیم که به‌سوی زیبایی غالباً تماشایی که رازهایی را نیز درخود نهفته دارند کشیده می‌شویم. برج‌های این ویرانه‌ها از ثروت و قدرت سازنده‌گان آن‌ها حکایت می‌کنند. به‌گونه‌ی که جلوه‌های‌شان را در سخنان شیلی می‌بینیم - «شما به کارهای من بنگرید، دل‌تان سرد باد از این همه شکوهی که آفریده‌ام!» حالا سازنده‌گان‌شان نابود شده‌اند اما بناهای بزرگی را که با یک چنین مساعی ساخته بودند از خود به‌جا گذاشته‌اند. چگونه جامعه‌یی که زمانی یک چنین توانمند بوده، فروپاشیده است؟ سرنوشت افراد آن جامعه چه شد؟ - آیا آن‌ها کوچیدند و اگر نه کوچیدند چرا؟ یا همه به‌شکل فجیعی از بین رفتند، چرا؟ در عقب این راز رمانتیک فکر آزاردهنده‌یی نهفته است: ممکن است یک چنین سرنوشتی درانتظار جامعه‌ی ثروتمند ما نیز باشد؟ آیا روزی گردشگری با تعجب به‌سوی لاشه‌های پوسیده‌ی آسمان‌خراش‌های نیویارک نگاه نخواهد کرد، چنانکه ما امروز به جنگل‌های انبوه ویرانه‌های شهرهای مایا نگاه می‌کنیم؟

از مدت‌ها به اینسو گمان برده می‌شد که رازهای این ویرانه‌ها قسمی نهفته در مشکلات محیط زیست است: مردم به‌گونه‌ی غیر آگاهانه باعث تخریب آن منابع محیط زیست خود می‌شوند که حیات جامعه‌ی‌شان به آن وابسته است. یافته‌های اخیر باستان‌شناسان، هواشناسان، مؤرخان، دیرینه‌شناسان، این شک خودکشی محیط زیستی (ایکوسوساید)

ایکوسوساید قرار گرفته است. امروزه ما با همان هشت عامل محیط زیستی که باعث زوال جوامع گذشته شدند، روبه‌رو هستیم، البته به‌اضافه‌ی چهار مورد جدید: تغییرات اقلیمی برساخته‌ی دست انسان، ساخت‌وساز مواد کیمیای زهری در محیط زیست، کمبود انرژی، و مصرف کامل ظرفیت فتوسنتز زمین توسط انسان‌ها. گفته می‌شود که بسیاری از این دوازده مورد تهدید، ظرف چند دهه‌ی اخیر به مسایل بحرانی در سطح جهان مبدل خواهند شد. یا ما باید بر این مشکلات غلبه کنیم یا این مشکلات نه‌تنها سومالی که جوامع جهان اول را نیز به تحلیل خواهند برد. ظاهراً سناریوی انقراض نسل انسانی و یا فروپاشی دراماتیک تمدن صنعتی در راه است. یا به‌طور خاص سطح پایین زندگی و خطرات مزمن و یا انقراض آنچه که امروزه برای ما ارزش‌های اساسی به‌حساب می‌رود. یک‌چنین فروپاشی می‌تواند اشکال متعددی داشته باشد، مانند گسترش جهانی امراض و یا جنگ‌های بر خاسته از کمبود منابع طبیعی یا محیط زیست. اگر این استدلال درست باشد، پس مساعی امروز ما وضعیت جهانی را که در آن کودکان و نوجوانان نسل کنونی، سال‌های میانی و کهن‌سالی‌شان را سپری می‌کنند، تعیین خواهد کرد.

اما جدیدت چالش‌های برخاسته از محیط زیست کنونی به یک بحث پراشتیاق مبدل شده است. آیا واقعاً در مورد این خطرات مبالغه شده یا برعکس دست‌کم گرفته شده‌اند؟ آیا این بدان معنا است که جمعیت تقریباً هفت میلیاردی امروزی با فناوری نیرومند مدرن، باعث فروریزی محیط زیست در سطح جهانی با میزانی چندین برابر سریعتر از آنچه که جمعیت فقط چند میلیونی در گذشته با ابزارهای سنگی و چوبی باعث سقوط آن شده است، خواهد شد؟ آیا فناوری مدرن مشکلات ما را حل خواهد کرد یا مشکلات جدیدی را سریعتر از آن‌هایی که در گذشته ایجاد کرده‌اند، سر راهمان قرار خواهد داد؟ وقتی منبعی را تخلیه کردیم (مانند، چوب، نفت و یا ماهی) آیا می‌توانیم روی جایگزینی منبع دیگری مانند پلاستیک، باد و انرژی آفتابی و یا ماهی‌های فارمی حساب کنیم؟ آیا کاهش دادن میزان رشد جمعیت انسانی به این معنا نیست که ما در صد کاهش جمعیت جهان به یک میزان قابل کنترل هستیم؟

تمام این پرسش‌ها نشان می‌دهد که چرا فروپاشی تمدن‌های مشهور بیشتر دارای یک مفهوم است تا صرفاً رازهای رمانتیک. شاید در فروپاشی‌های گذشته درس‌هایی است که ما می‌توانیم آن را بیاموزیم. می‌دانیم که برخی از جوامع گذشته فروپاشیدند، درحالی‌که شماری از آن‌ها هم‌چنان به حیات‌شان ادامه دادند: چه چیزی آن جوامع را به‌ویژه آسیب‌پذیر ساخت؟ روندهایی که طی آن جوامع دست به خودکشی محیط‌زیستی زدند، دقیقاً چه بود؟ چرا برخی از جوامع گذشته از دیدن فاجعه‌هایی که در آن فرو می‌رفتند و این روندها در گذشته چندان ناشناخته نیز نبوده، محروم ماندند؟ کدام تجربه‌ها در گذشته موفق بوده‌اند؟ اگر بتوانیم به این پرسش‌ها پاسخ بدهیم، شاید بتوان تشخیص داد که کدام‌یک از جوامع امروز آماج خطر اند، و چه تدابیری می‌تواند به‌گونه‌ی بهتری به آن‌ها کمک کند، بدون اینکه منتظر فروپاشی سومالی گونه‌یی باشیم.

اما بین جهان مدرن و چالش‌های آن و جوامع گذشته و چالش‌های ویژه‌ی آن تفاوت‌هایی وجود دارد. نباید خوشبینانه تصور کنیم که مطالعه‌ی گذشته چنان راه‌حل‌های ساده‌یی را در اختیار ما قرار می‌دهد که قابل انتقال به جوامع امروزی ما اند. ما از جهت‌هایی با گذشته متفاوت هستیم، تفاوت‌های که به ما امکان می‌دهد تا کمتر آماج خطر باشیم؛ برخی از این جنبه‌ها که اغلباً از آن‌ها یادآوری شده است، شامل فناوری نیرومند (مانند تأثیرات مفید آن)، جهانی شدن، داروهای جدید، اطلاعات عظیم علمی درباره‌ی جوامع گذشته و جوامع مدرن است. ما هم‌چنان از جهت‌هایی با گذشته متفاوت هستیم که ما را در معرض خطر بزرگتری نسبت به آن‌ها قرار می‌دهد: بازهم فناوری نیرومند (مانند تأثیرات مخرب غیرعمدی آن)، جهانی شدن (چنان‌که حتی فروپاشی سومالیای دور افتاده نیز می‌تواند بر ایالات متحده و اروپا نیز اثرگذار باشد)، وابستگی میلیون‌ها انسان (به‌زودی میلیاردها) به داروهای جدید نجات، و میزان افزایش جمعیت. شاید هنوز بتوان از گذشته آموخت، به‌شرط اینکه به درس‌های آن با دقت توجه کنیم.

ادامه دارد...

دریای خونین؛ مردم می میرند

■ خلیل پژواک



سیاه عکسی از یک کودک را با چند جمله‌ی ساده نوشته بودند. کودکی که لیخند زده بود و جمله‌ی که بیش از هر چیزی به شهادتش اشاره می‌کرد. آن تکه‌ی سیاه، نشان می‌داد که یک شهید در این کوچه اضافه شده. نشانی از افتخار که در جامعه‌ی دین‌مدار ما حتا مایه‌ی خوشحالی است. در پشت دروازه‌ی خانه‌ی این کودک اما هیچ نشانی از افتخار و شادمانی نهفته دیده نمی‌شد. جمعی از زنان محل آمده بودند تا مادری را تسلی بدهند که به هیچ چیزی دیگری فکر نمی‌کرد. نه به شهادت، نه به این که «فرزندش قرآن‌خوان خوبی بوده و خوشا به سعادتش که در کودکی به بهشت شتافته است». برای آن زن، واقعیت عینی‌تر از آن بود که بخواهیم درگیر خیالات شویم. او فرزندش را از دست داده بود، کسی که همان صبح رفته بود پیش پدرش تا احوالش را بگیرد. حتا برای او مصاحبه نیز بی‌معنا بود. «جان فرزندش را پس نمی‌داد.»

اگر از روایت مسلط به جنگ فراتر برویم، آنچه برجای می‌ماند، یک فاجعه‌ی تمام‌عیار است. مردمی که دست و پای‌شان را از دست داده‌اند و خانواده‌هایی که بر روی اجساد عزیزان‌شان خاک می‌پاشند. فرزندان بی‌پدر و مادر، خانه‌های داغدار و عکس‌های به یادگار مانده، سویی‌های دیگر اما واقعی‌تر و تکان‌دهنده‌تر جنگی است که با فرو افتادن پرچم سفید امارت طالبان، کماکان ادامه دارد. بر اساس گزارشی در ماه سنبله رادیو آزادی نشر کرده بود، پس از ۲۰۰۱ تا کنون دستکم ۳۰ هزار شهروند عادی کشته شده‌اند. گزارش یوناما در سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که ۲۹۵۹ شهروند کشته و ۵۶۵۶ تن دیگر زخمی شده‌اند. بر اساس همین گزارش، از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ ۱۳۷۰۱ نفر عادی کشته شده است. به عبارتی در هر روز در این سال‌ها حداقل ۹ نفر کشته شده‌اند. معنای دیگرش این است که هر روز ۹ خانواده یک نفر را از دست داده‌اند. هر روز ۹ نفر از کسانی که هیچ دخلی در جنگ ندارند، به خاک و خون کشانده شده‌اند. بر اساس تازه‌ترین گزارش یوناما از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ میلادی ۲۴۸۴۱ فرد ملکی کشته شده‌اند. رقمی که نشان می‌دهد پس از ۲۰۱۳ تقریباً این رقم به دو برابر افزایش یافته است.

اگر زمان آمار کشته‌ها را به عقب بازگردانیم، به آغاز نبرد امریکا علیه تروریسم و سقوط طالبان و پس از آن، رقم دقیق و روشنی نمی‌توانیم از شمار کشته‌های بی‌گناه در این سال‌ها دریابیم. احتمال این که ۱۰۰ هزار نفر از شهروندان عادی کشته شده باشند، آن‌چنانکه که در تحقیقات دانشگاه براون آمده، خیلی خارج از تصور نیست. مسأله‌ی شهروندان و جنگ، صرفاً آمار و ارقام نیست. کافی نیست که شمار دقیق کشته‌ها را داشته باشیم. مسأله بر سر این است که هزینه‌ی واقعی جنگ را شهروندان با تمام تلخی‌ها و تکان‌هایش می‌پردازند. خانه‌های شهروندان قندز و ویران می‌شود، بسیاری‌ها مورد تجاوز جنسی واقع می‌شوند و کم نیستند آن‌هایی که در بی‌خبری محض کنار مهاجم انتحاری قرار می‌گیرند تا چند دقیقه بعد، هیچ نشانی از آن‌ها باقی نمی‌ماند. مسأله بر سر از دست دادن کسانی است که نه شوقی در جنگ دارند و سودایی در سر و در لحظه‌ی زندگی‌شان به پایان می‌رسد و رنج و اندوه حاصل از آن بر خانه‌های‌شان سایه می‌افکند.

خونین دیدن دریای کابل، نمادی از واقعیت موجودی است که بر فراز سر هر شهروندی سایه انداخته است. داستان مرگ و نابودی است و هرگز رنگی از عدم جدیت ندارد. به نظرم می‌رسد زمان آن رسیده است که به خود جرأت فکر کردن در مورد این لایه از شرارت جنگ را بدهیم. این که در پشت خبرهای رسمی از جنگ، چه واقعیت‌های دردناک و تکان‌دهنده‌ی جاری است. این که لایه‌های پنهان جامعه سرد می‌شود تا زمانی دوباره در هیئت دیگر سر بر آورد. به این فکر کنیم که چه هزینه‌ی برای جنگ پرداخته‌ایم و قرار است این ماجرای دردناک تا کجا ادامه یابد. آیا راهی برای رسیدن به وضعیتی که کاهشی در آمار کشته‌ها ببینیم، وجود دارد؟ شاید حق با زنی باشد که در حمله به کارمندان یک تلویزیون طلوع دخترش را از دست داده بود و می‌گفت، او فقط می‌خواست کار کند و نان بیاورد؛ حالا بر رنج گرسنگی، درد غیبت همیشگی او نیز افزوده شده است.

خونین دیدن دریای کابل، نمادی از واقعیت موجودی است که بر فراز سر هر شهروندی سایه انداخته است. داستان مرگ و نابودی است و هرگز رنگی از عدم جدیت ندارد. به نظرم می‌رسد زمان آن رسیده است که به خود جرأت فکر کردن در مورد این لایه از شرارت جنگ را بدهیم. این که در پشت خبرهای رسمی از جنگ، چه واقعیت‌های دردناک و تکان‌دهنده‌ی جاری است. این که چه صداهایی که شنیده نمی‌شود و چه دردهای که در لایه‌های پنهان جامعه سرد می‌شود تا زمانی دوباره در هیئت دیگر سر بر آورد. به این فکر کنیم که چه هزینه‌ی برای جنگ پرداخته‌ایم و قرار است این ماجرای دردناک تا کجا ادامه یابد. آیا راهی برای رسیدن به وضعیتی که کاهشی در آمار کشته‌ها ببینیم، وجود دارد؟ شاید حق با زنی باشد که در حمله به کارمندان یک تلویزیون طلوع دخترش را از دست داده بود و می‌گفت، او فقط می‌خواست کار کند و نان بیاورد؛ حالا بر رنج گرسنگی، درد غیبت همیشگی او نیز افزوده شده است.

صدای زنی که در میانه‌ی دود و آتش فرزندش را از دست داده، شنیده نمی‌شود. صدای مردی که جسد خون‌آلود همسرش را در دست دارد شنیده نمی‌شود. هیچ‌کس صدای مردم را در درجه‌ی اول نمی‌شود. روایت هیچ جنگی به صورت رسمی و متعارف، روایت قربانیان آن نیست. روایت برندگان و بازندگان-گردانندگان-جنگ است. خبر پس از نقل قول‌های مقامات نظامی و سیاسی و سخنگوی طالبان، با یک جمله‌ی سرد و ساده به پایان می‌رسد: رقم تلفات ملکی به X رسید.

سه سال پیش، در یک حمله‌ی انتحاری، یک کودک ده‌دوازده ساله جان باخت. می‌خواستیم بدانم که «علی سینا» کیست و چرا کشته شد. مادر و پدرش را می‌خواستیم ببینیم و وضعیت خانگی که چند ساعت پیشتر جسد تکه-پاره‌ی کودک‌شان را به خاک سپرده بودند. در سر یک کوچه‌ی گلی و نسبتاً محقر، روی یک پارچه‌ی

موافق یکی از گروه‌ها باشند یا بی‌طرف، میدان واقعی نبرد و صحنه‌ی اجرای نمایش مرگ و اسباب تکمیل این نمایش خون‌بار اند. شهروندان اگر از جهتی صحنه‌ی مرگ و خون را به نمایش می‌کشند، آن‌هم با عدم حضور فاعلانی که در جنگ دارند، از جهتی دیگر قربانی روایت‌های رسمی از جنگ‌اند. در پایان نبرد، عاملان دو سوی خط آتش، به بازی‌شان در یک سطح دیگر ادامه می‌دهند. مثلاً طالبان چه شکست بخورند یا پیروز جنگ باشند، اعلامیه‌ی منتشر می‌کنند و سعی در دستکاری روایت نبرد دارند. نیروهای دولتی، رسانه‌ها و مسئولان دولتی همه در مورد تلفات سربازان یا پیروزی یک نبرد سخن می‌پراکنند. تریبیون رسانه‌ها در دست دو نیروی متخاصم می‌افتد و ما هرکدام به سهم خود سعی می‌کنیم راوی این جنگ از زبان کسانی باشیم که عاملان آن بوده‌اند؛ خواه به‌درستی یا نادرستی.

سه روز پیش، روز جمعه، گروه سیاسی افغانستان ۱۴۰۰ پس از اعلام گزارش سالانه‌ی یوناما در مورد تلفات افراد ملکی، در حرکت اعتراضی در دریای کابل رنگ سرخ ریخت؛ تلاشی آشکار برای نمایاندن پیامدهای جنگی بی‌پایان علیه تروریسم که در میان آن شهروندان عادی از هر دو طرف تیر می‌خورند و جان می‌دهند. به‌عنوان یک بیننده وقتی دریای سرخ‌رنگ را دیدم، اولین تصویری که در ذهنم آمد، تصویر حمله به مقر ریاست محافظت از رجال برجسته در امنیت ملی بود. در آن شامگاه خونین، که قریب به نصف کابل از شدت حمله تکان خورده بود و کمتر از ۷۰ نفر جان باخته بودند، یکی از عکاس‌ها عکسی را در صفحه‌ی فیس‌بوکش گذاشت که در آن نشان می‌داد، دریای کابل که از کنار محل رویداد می‌گذرد، سرخ‌رنگ است. تصویر دریای آغشته به خون کابل اما در آن شامگاه، واقعی نبود. عکاس با افزایش رنگ‌ها و دستکاری در عکس خواسته بود، میزان وحشتی که در آن‌جا حاکم بود را نشان بدهد. گرچه عکس سربازهای جان‌باخته و پس از آن بی‌شمار عکس‌های دیگر که نشان می‌داد شهروندان پس از حمله به گوشه و کناری افتاده‌اند و هنوز رنگ خون از محل پاک نشده را دیدم، اما به نظرم آن عکس از دریای خون‌آلود کابل هرگز نشانی از مبالغه در خود نداشت.

در هر جنگی، قربانیان واقعی آن‌هایی هستند که هیچ دخالتی در نبرد ندارند. مردم، شهروندان بی‌پناه و گیرمانده در دو سوی آتش، تماشاچیان که هیچ انگیزه‌ی برای دیدن لشکرکشی جنگ‌جویان در دو سوی خط نبرد ندارند، اما به ناگزیر باید در محل باقی بمانند. این‌ها قربانیان واقعی جنگ‌هایند. در سوی خط نبرد، چه شورشیان یا مخالفان مسلحی که از سر طمع‌ورزی یا اخلاص نظم عمومی دست به ماشه برده‌اند و چه سربازانی که برای دفاع از کشور یا قانون یا حتا مردم به صحنه‌ی نبرد آمده‌اند، پیش از آن‌که قربانی باشند، پدیدآورنده و بازیگر آن‌اند. آن‌ها سلاح دارند و می‌دانند که برای چه‌کاری در میدان آمده‌اند. اما مردم، چه

سیستم و ضد سیستم؛ ترامپ و اشرف غنی

عمران راتب

چرا صفر و صدیم؟

سخن سخی داد هاتفا

چرا صفر و صدیم؟

از صفر تا صد شماره‌های دیگری هستند و هر کدام از این شماره‌ها می‌توانند گامی به سوی کاهش یا افزایش باشند. برای من معنایی است که چرا در ملک ما به جای مفهوم کاهش و افزایش مفهوم هیچ و همه این قدر خریدار دارد. مثالی از عالم سیاست بدهم: مجموعه‌ی بی‌افراد یک خواست سیاسی دارند. طبیعی است که چنین خواستی را می‌توان در شکل آرمانی‌اش صورت‌بندی کرد و خواستار برآورده شدن آن صورت کامل آرمانی شد. اما می‌دانیم که میدان سیاست بازیگران بسیار دارد و ممکن است خواست یک گروه با خواسته‌های بازیگران دیگر این میدان تصادم کند. به این معنا که در عالم واقع ممکن است آدم ناگزیر شود صورت آرمانی خواست خود را تعدیل کند. این تعدیل کردن در جایی میان صفر و صد اتفاق می‌افتد. یعنی شما نه به صفر رسیده‌اید که کاملاً خواسته‌تان را کنار بنهید و نه صد درصد خواسته‌تان برآورده شدنی است.

حال، سوال این است که چرا در ملک ما تعدیل خواست فوراً به سقوط به نقطه‌ی صفر تعبیر می‌شود؟ گمان من این است که در مدل ذهنی ما از معاملات اجتماعی مفهومی به نام پیش‌رفت/پس‌رفت اساساً وجود ندارد. کلمه‌ی «پیش‌رفت» را داریم، اما مفاهیم تابع و الزامات عینی‌اش را نداریم. برای ما یک نقطه هست به نام صفر که یا صفر می‌ماند یا به صد ارتقا می‌یابد (ارتقای جهشی و بی‌واسطه). عبور از صفر به ده، به بیست، به بیست‌وهفت، به چهل‌ویک، به پنجاه‌ودو و... برای ما ناشناخته می‌ماند. نه ابزار اندازه‌گیری چنین حرکت رو به پیش‌رفت را داریم و نه می‌پذیریم که از مسیر این افزایش تدریجی به طرف صد برویم.

چرا چنین است؟

علت این رویکرد به گمان من این است که در ملک ما ابزار جهش از صفر به صد همیشه «زور» بوده و نه «برنامه». در جهتی معکوس نیز، آنچه سقوط از صد به صفر را ممکن می‌ساخته زوال زور بوده و نه زوال برنامه. استفاده از زور برای رسیدن صد درصدی به یک خواسته، مفهوم تدریج و پیش‌رفت و افزایش زماندار را از میان برمی‌دارد. شما امروز در صفر هستید و فردا در صد. یا این‌که در همان صفر می‌مانید. آن «برنامه‌ای استراتژیک و فکر شده» است که نیاز به اجرای تدریجی، مرحله به مرحله و زمان‌بندی دارد. تنها در چنین برنامه‌ی افزایش، کاهش پیش‌رفت، پس‌رفت و تعدیل معنا می‌یابند و همه‌ی شماره‌های میان صفر و صد اهمیت پیدا می‌کنند.

گاه در پیوستار میان صفر و صد فرصت‌های مغتنمی رخ می‌نمایند، اما این فرصت‌ها در مدل تفکر «یا صفر یا صد» دیده نمی‌شوند و اگر دیده شوند مهم پنداشته نمی‌شوند. به همین خاطر، در تصادم دایمی افکار و اقدامات صدگرایانه آنچه بسیار داریم صفر است.



اخیراً اشرف غنی در نشست با مسئولین کمیسیون‌های انتخاباتی، از آمادگی‌ها برای برگزاری انتخابات پارلمانی در سال جاری حرف زده و بر این اساس، خواستار کمک‌های مالی بیشتری از جامعه‌ی جهانی شده است. این‌که مسأله‌ی تقاضای کمک مالی خود مسأله‌ی است قابل بحث، و این‌که اساساً چرا باید وضعیت طوری پیش بیاید که امکان برگزاری انتخابات پارلمانی در تاریخی که قانون اساسی برای آن تعیین کرده وجود نداشته باشد، نیز مسأله‌دار است، می‌تواند بحث دیگری باشد، اما نفس این‌که نه قانون و کارکرد عادی سیستم، بلکه فرد باید تصمیم بگیرد که یکی از برجسته‌ترین مواردی که اساس سیستم بر آن استوار است، چگونه و چه زمانی باید اجرا شود، پس زمینه‌ی دارد که به مدد آن می‌توان وضعیت را در سرتاسر کشور و قلمروی که این تصمیم بر آن اعمال می‌شود، به تصور درآورد. از این‌رو، قانون فی‌نفسه سخت و خشن نیست، بلکه سختی آن زمانی آشکار می‌گردد که به منصفی عمل و نفوذ می‌رسد. به عبارت دیگر: قانون هنگامی که نافذ است، نمی‌گذارد انتخابات که یکی از مصداق‌های آن است، دو سال بعد از زمان معینه به این دلیل برگزار شود که رئیس‌جمهور آن را می‌خواهد. تفکیک فردیت نابوده‌شده از فردیت پذیرفته‌شده، در چنین موقعیتی اهمیت خودش را نشان می‌دهد؛ اشرف غنی نه به‌عنوان این‌که می‌خواهد از حق فردی شهروندی خود استفاده کند، بلکه از این منظر که او رئیس‌جمهور کشور است، به خود حق می‌دهد طوری اراده و عمل کند که شهروندان در برابر تأثیر و پیامد آن عمل، نقش موجودات فردیت‌زدایی‌شده‌ی بیش را ندارند. بنابراین، حتی اگر در موقعیتی، تصمیمی از جانب فردی گرفته می‌شود که قانون در آن پس زده شده است، ولو این تصمیم در قالب اجرا و تقویت قانون هم ظاهر شود، آن تصمیم چیزی جز تلاش برای محو سیستم و تحکیم ضدسیستم نیست.

و آن را همچون فضای همه‌شمولی در نظر بگیرند که ناگزیر از پذیرفتنش به‌گونه‌ی است که دیگر اراده‌ی فردی در آن نتواند شکاف ایجاد کند. فرقی نمی‌کند که این اراده‌ی فردی مال ترامپ رئیس‌جمهور است یا فردی جانی و تروریست. با این حال، خطاست اگر از این گفتار این نتیجه گرفته شود که سیستم نابودگر فردیت است. برای این‌که سیستم کلیتی واحد و سر بسته نیست، بلکه دارای ساختاری است که این ساختار، فقط می‌تواند با فردیت به‌کار بسته‌شده به‌وجود بیاید. یعنی این ساختار، در موقعیتی، مشخصاً به کسی چون ترامپ می‌گوید که تو نمی‌توانی به‌تنهایی تصمیمی بگیری که تبعات آن دامن همه را می‌گیرد، و من شهروند عادی نیز در آن‌صورت باید هزینه‌اش را بپردازم. از این لحاظ، تو حق نداری چیزی را که من نمی‌خواهم بالای من تحمیل کنی. اساس فردیت در سیستم، از این‌جا آغاز می‌گردد؛ فرد به‌تنهایی نمی‌تواند طوری عمل کند که نتیجه‌ی آن شامل حال همه می‌شود و نتیجه‌ی آن محو فردیت است.

در افغانستان ما چنین چیزی نداریم. رئیس‌جمهور می‌تواند کاری بکند که نه فقط پیامد آن سراسر کشور را متأثر می‌سازد، بلکه قوه‌ها و نهادهایی که توجیه وجودی‌شان در استقلال و کارکرد خود مرجع است، نیز با او موافق نیستند. معاون رئیس‌جمهور قانون‌شکن‌ترین شخص در درون نهادی می‌شود که می‌بایست پاسدار قانون باشد. رئیس‌اجرایه و وزیر و... نیز همین‌طور. با این حال، مسأله این است که حتی در چنین شرایطی، آنی که مقصر است، رئیس‌جمهور به‌مثابه‌ی فرد نیست، بلکه فضایی است که اجازه می‌دهد فرد این‌گونه ظاهر شود. اما سوبه‌ی دیگر ماجرا این است که فضا نباید بیرون از حوزه‌ی تأثیرگذاری کارکرد افراد در نظر گرفته شود. یعنی همان چیزی که با نام «ساختار» از آن یاد می‌کنیم، این‌جا نقش خودش را آشکار می‌کند: افراد مقصر اند، به این دلیل که طوری عمل نمی‌کنند که کلیت آن سیستمی را بازنمایی کند.

قانون، چیزی سخت و خشن است. بدین معنا که اجرای قانون به خودی‌خود پدیدآورنده‌ی سیستمی است که این سیستم، فضا را طوری تنظیم می‌کند که امکان خلاف‌ورزی در آن از میان می‌رود. در چنین فضایی، بحث از ارزش‌ها و هنجارها و اراده‌ها نیست، بلکه بحث این است که آیا انسان‌ها بسته به موقعیتی که دارند، حتی اگر اراده کنند، قادر هستند اقدام به انجام عملی بکنند که آن انضباطی که سیستم با آن شکل گرفته با این عمل مختل شود؟ این‌جا نیز آن کسی که پاسخ می‌دهد، خواست و منزلت ارزشی افراد نیست، یعنی حتی افراد پاسخ نمی‌دهند، بلکه پاسخ را چیزی می‌دهد که این امکان که افراد نظر به جایگاه‌شان رابطه‌ها و نسبت‌های متفاوتی با سیستم برقرار می‌کنند را از آن‌ها می‌گیرد، یعنی خود سیستم. از این است که تفسیر، اعمال تغییر دلخواهانه در قانون و انجام اعمالی که قلمرو سیستم قانون‌مند آن را پس می‌زند و نفی می‌کند، در موقعیتی که سیستم نافذ است، ناممکن می‌شود. روشن‌ترین نمونه‌ی این امر را می‌توان در نوع مواجهه‌ی بی‌که از سوی شماری از دادگاه‌های امریکا با تصمیم‌های اخیر ترامپ شد، می‌توان مشاهده کرد. آن‌جا ممکن است برای حالت‌های اضطرار جایگاهی در نظر گرفته شده باشد، و از فضا این نیز بیان‌گر چیزی است که می‌توان از آن به‌عنوان نقطه‌ی تمیز سیستم از فضایی آشفته و ناقاعده‌مند یاد کرد، اما قدرت تصمیم‌گیری و عمل به آن معنایی که عریان‌ترین نمونه‌ی آن در افغانستان و در عملکرد سران حکومت وحدت ملی دیده می‌شود، به‌گونه‌ی متفاوت از عملکرد افراد دیگری که موقعیت‌شان وابسته به کارکرد کلی سیستم است، برای رئیس‌جمهور وجود ندارد. در قلمرو سیستم، فرد اراده نمی‌کند، زیرا غایت اراده‌ی افراد در آن‌جا چیزی است که در قالب «سیستم» نمود یافته است. بدین لحاظ که افراد برای این‌که از پذیرش اراده و خواست غیرخودی به‌شکل قاعده‌مند سرباز بزنند، اراده کرده‌اند که اراده‌ی جمعی‌شان را محترم بشمارند

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا

سردبیر: خلیل پژواک

دبیر خبر: عصمت الله سروش

گزارشگر: الیاس نواندیش

ویراستار: عمران راتب

صفحه آرا: هادی دریابی

hussainjoya2014@gmail.com

بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲

چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



بگو مگو facebook

Malek Sitez



پارلمانی، ریاستی یا فدرال؟

این پرسش که شما طرفدار نظام پارلمانی، ریاستی و یا فدرال هستید، به شدت مشکل تخنیکی و حقوقی دارد. نظام فدرال در هر دو چارچوب (پارلمانی و ریاستی) قابل انطباق است. گزینه‌ی دیگر نظام‌های مختلط می‌باشند که هر سه را در بر گیرنده هستند و سه گزینه‌ی دیگر نیز وجود دارد که فدرالیسم، ریاستی و پارلمانی را قابل دسترس می‌سازد. من طرفدار آسیب‌شناسی و پژوهش‌های آکادمیک برای دستیابی به رژیم سیاسی و نوع ساختار سیاسی نظام در افغانستان هستم. انتخابی که با پژوهش، مطالعات میدانی (منطقه‌یی و جهانی) همراه نباشد، رفتن به ناکجاآباد است. خواهش مندم این‌ها را خلط نکنید. چون ذهنیت عامه سرگردان می‌شود.

Sakhidad Hatif



زخم افشار

آنچه دو و نیم دهه پیش بر افشار رفت، زخمی عمیق و خون‌فشان بر جان نهاد. زخمی بر تن و روان آنانی که آماج ستم شدند و زخمی بر خاطره‌ی جمعی ملک ما. امروز، پس از بیست و چهار سال، به گمان من باید نسبت خود با این زخم را از منظری جدید مرور کنیم. به این معنا که ببینیم از این پس «التیام بخشیدن» به این زخم چه معنایی دارد و از ما چه می‌طلبد. زخم‌ها قاعدتا باید التیام بیابند. باز کردن زخم به نیت تازه نگه‌داشتن آن موجه نیست. زخم افشار را نیز نباید از این دایره بیرون گذاشت. این زخم باید التیام بیابد. اما می‌دانیم که پاره‌یی از پیش‌نیازهای التیام یافتن این زخم از دسترس خارج است. به این خاطر که وقتی جنایتی در حد قتل عام افشار رخ می‌دهد، عاملان و طراحان آن جنایت باید در دادگاهی عادل محاکمه شوند. می‌دانیم که این کار قطعاً نخواهد شد. احمدشاه مسعود (طراح و فرمانده اصلی در آن قتل عام) از دنیا رفته است و رسماً لقب قهرمان ملی به او داده شده. عبدالرب رسول سیاف و افراد زیر دست او را نیز کسی به دادگاه کشانده نمی‌تواند. آیت الله محسنی و تنی چند از رهبران سیاسی شیعه که همکار دولت وقت بودند نیز نقش خود در آن فاجعه را انکار می‌کنند.

در جانب قربانیان هم عملاً جریان «دادخواهی» وجود ندارد. فقط هر سال، زمستان که می‌شود، عکس‌ها و ویدیوهای دلخراش از جنایت‌های آن ایام بر پهنه‌ی انترنیت ظاهر می‌شوند و پس از چند روز در غبار رخدادهای تازه محو می‌شوند. با این حساب، به نظر می‌رسد که اگر در سالگرد آن جنایت عظیم بیشتر بر درس‌هایی که می‌توان از آن آموخت تأکید شود بهتر است. این درس‌آموزی را می‌توان همچون رویکردی التیام‌آور بر گرفت. باز کردن آن زخم، به نیت یا با نتیجه‌ی شوراندن عواطف قومی و بزرگ کردن شکاف‌های سیاسی، سودی برای مردم ندارد. ما چه دوست داشته باشیم و چه نداشته باشیم، باید با واقعیت‌های زمانه‌ی خود تعامل امروزی بکنیم. آنچه در برابر ما باز است و تن به تغییر می‌دهد فرداست نه دیروز. نشستن در سایه‌ی دیروز ای بسا که رویکرد ما به امکانات آفتابی فردا را نیز به نحوی منفی شکل بدهد.

Khalil Pajhwak



فریب اگر به سود ما باشد، بگذارید بخوریم

در چهارده سال گذشته یک مراسم دولتی برای گرامی داشتن فیض محمد کاتب برگزار نشد. حتی بر سر نام جاده‌یی به نام او جنجال شد. کسی نه به فکر ضرب زدن مدالی به نام او بود و نه اعتیایی به جایگاه او در تاریخ نویسی داشت. حالا یکی آمده که هم تاریخ خوانده است و هم بارها از کاتب به نیکی یاد کرده. به همکاری معاونیت دومش، رییس جمهور را می‌گویم، محفلی برایش گرفته و دستور داده که به نام کاتب مدال دولتی ضرب زده شود. ما چیزی که زیاد داریم مدال دولتی است. از این جهت اگر بسیار حساب و کتاب کنیم، شانزدهمین یا بیست و یکمین مدال هم نه آب می‌شود نه نان. اما ضرب زدن این مدال، معنایی دیگری نیز دارد. این که کاتب را به رسمیت می‌شناسیم، این که تاریخ او تاریخ مردود نیست و دایره‌ی اعتبارش گسترش می‌یابد. اعتنا و احترام به کاتب و آثارش، همان چیزی است که خیلی‌ها می‌خواهند. حالا غنی آمده و همین خواسته را برآورده کرده. خوب است دیگر. به نظرم خیر است که دولت برای ساخت بنای یادبودی برای او هزینه نمی‌کند. اما نباید فراموش کنیم، کسی بنای یادبود کاتب را از پول شخصی‌اش می‌سازد که بیش از همه، در روزگار کنونی مخاطب کاتب است.

ترامپ در واکنش به اظهارات روحانی: بهتر است مواظب باشد

دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا جمعه ۲۲ بهمن ماه در واکنش به اظهارات حسن روحانی، رییس‌جمهور ایران اظهار داشت، او بهتر است مواظب باشد. به گزارش «فاکس نیوز» رییس‌جمهور آمریکا عصر جمعه در گفت و گو با خبرنگاران در هواپیمای اختصاصی خود به پرسش‌های آنها پاسخ داد. یکی از خبرنگاران از دونالد ترامپ پرسید، «پاسخ شما به حسن روحانی که امروز گفته هر کسی که ایران را تهدید کند، پشیمان خواهد شد» چیست؟ رییس‌جمهور آمریکا در پاسخ گفت: او بهتر است مواظب باشد. دور تازهی جنگ لفظی بین مقام‌های ایران و آمریکا به دنبال آزمایش موشک بالستیک ایران پس از روی کار آمدن دولت دونالد ترامپ آغاز شد.

در ادامه این رویارویی‌ها، حسن روحانی روز جمعه در مراسم سالگرد انقلاب در میدان آزادی تهران گفته بود: «کسی که ملت و نیروهای مسلح ما را تهدید می‌کند، بداند ملت ما یکپارچه و آگاه است و در برابر بدخواهان ایستادگی خواهد کرد». وی اضافه کرده بود: «هر کس با زبان تهدید با این ملت سخن بگوید، ملت ایران او را پشیمان خواهد کرد.» به دنبال آزمایش موشکی ایران، مقام‌های آمریکایی به این کشور هشدار داده‌اند که مراقب رفتار و اقدامات خود باشند. این در حالی بود که علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی روز ۱۹ بهمن گفته بود، دونالد ترامپ می‌خواهد ایران بترساند ولی تهران از «تهدید» نمی‌هراسد.

زمان برگزاری رفراندوم تغییر قانون اساسی ترکیه اعلام شد

تغییر قانون اساسی رأی مثبت داده بود. پیش‌نویس تغییرات در قانون اساسی حاصل همکاری حزب عدالت و توسعه، حزب رجب طیب اردغان با حزب راست‌گرای افراطی «جنبش ملی» (م ه پ) بود. دو حزب جمهوری‌خواه خلق (بزرگترین حزب حامی کردها) مخالفان اصلی این تغییرات بودند و آن را آغاز روند «دیکتاتوری اردوغان» توصیف کردند. قانون اساسی فعلی ترکیه سال ۱۹۸۲ پس از کودتای نظامی ۱۹۸۰ نوشته شد که در آن استقلال دادگاه‌ها از هر «ارگان، اقتدار و دفتری» تضمین شده‌است. اما قانون اساسی جدید تصویب‌شده در

کمیسیون انتخابات ترکیه اعلام کرد که رفراندوم تغییر قانون اساسی این کشور ۱۶ آوریل سال ۲۰۱۷ برابر با ۲۷ فروردین ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد. در صورت رأی مثبت مردم به همه‌پرسی قانون اساسی، نظام اداری-سیاسی ترکیه از پارلمانی به ریاستی تغییر می‌کند. بر اساس این تغییرات مقام نخست‌وزیری حذف خواهد شد و مقام ریاست‌جمهوری از یک مقام تشریفاتی به اصلی‌ترین مقام اجرایی کشور تغییر خواهد یافت. همچنین یک یا حتی چندین معاون اول به سمت‌های کابینه دولتی اضافه می‌شود. کمتر از یک ماه پیش، پارلمان ترکیه با ۳۳۹ رأی موافق به تمام پیشنهادهای دولت برای

عروسی که لباس عتیقه‌ی ۱۵۰ ساله را گم کرد

بزرگی بود که چنین لباسی را در روز عروسی‌ام بپوشم.» «شگفت‌انگیز بود. وقتی جعبه لباس را باز کردیم آن را به دقت داخل کاغذ پیچیده بودند. کمی زرد شده بود و باید تمیزش می‌کردم.» بعد از عروسی پدرش لباس را به خشکشویی برد. به او گفته شد که بین هشت تا ده هفته کارش طول می‌کشد. «مادرم فکر کرد زمان زیادی است اما به هرحال قبول کردیم.» «در این مدت پدرم چند بار تماس گرفت که ببیند آیا لباس آماده است یا نه. لباس آماده نبود. دو روز پیش به مغازه رفت و دید که یک کاغذی چسبانده‌اند که می‌گوید این مغازه با حکم قانون تعطیل شده است.» «وقتی مادرم زنگ زد که خبر را بدهد هر دو پشت تلفن گریه می‌کردیم. برای خانواده ما خبر غم‌انگیزی بود. فقط امیدوار بودیم یک نفر بداند لباس کجاست و بتواند برش گرداند.» «ماجرها و حس‌های عمیقی در خانواده به

یک زن بریتانیایی مراسم عروسی خود را با لباس ۱۵۰ ساله مادر بزرگ مادر بزرگش برگزار کرد، اما بعد از جشن، جامه‌ی عتیقه را گم کرد. او این لباس ارزشمند را به خشکشویی فرستاده بود اما بعد از ورشکستگی صاحب خشکشویی معلوم نیست چه بلایی سر لباس آمده است. تس نوال، از اهالی شرق لوتیان، در بریتانیا گفته از این اتفاق قلبش شکسته و بسیار آشفته شده است. خانم نوال، زن ۲۹ ساله ژوئن گذشته ازدواج کرد. دو ماه بعد لباس را به یک خشکشویی در ادینبرا فرستاد. ماه بعد متوجه شد که مغازه خشکشویی به دلیل ورشکستگی بسته شده است. تس نوال به خبرنگار بی‌بی‌سی در اسکاتلند گفته است که وقتی نامزد کرد، مادر بزرگش به او گفت «لباسی دارد که از سال ۱۸۷۰ در خانواده دست به دست شده و اکنون در انبار است و دوست دارد نوه‌اش موقع عروسی آن را بپوشد.» «من همیشه عاشق چیزهای عتیقه بودم. افتخار

دست‌کم پنج عراقی در تظاهرات حامیان مقتدی صدر کشته شدند

دولتی و دیپلماتیک در آن‌جا متمرکز است. سخنگوی وزارت کشور عراق می‌گوید یک نیروی پلیس کشته شده و دست‌کم هفت نفر دیگر زخمی شده‌اند. بر اساس گزارش‌ها مقتدی صدر از سازمان ملل و سایر گروه‌های حقوق بشر خواسته برای حفاظت از جان تظاهرات‌کنندگان دخالت کنند. او حیدرعبادی، نخست‌وزیر عراق را مسئول حفظ امنیت غیرنظامیان دانسته و شماری را به «استفاده از نیروی زور علیه غیرنظامیان» متهم کرده است. او از معترضان خواسته که تا اطلاع ثانوی از منطقه‌ای که در آن هستند، خارج شوند. صدای انفجار شنیده شده و ویدئوهایی وجود دارد که نشان می‌دهد به سوی تظاهرات‌کنندگان گاز اشک‌آور شلیک می‌شود. پلیس ضد شورش عراق تلاش داشت نگذارد تظاهرات‌کنندگان به منطقه سبز بغداد نزدیک شوند. فروردین ماه امسال، مقتدی صدر برای آقای عبادی ضرب الاجلی چند ساعته تعیین کرد تا کابینه‌اش را «ترمیم» کرده و سیاست‌هایی برای مبارزه با فساد اعلام کند. ماه بعد هواداران او در منطقه سبز به نشانه اعتراض وارد مجلس این کشور شدند. مقتدی صدر خواهان تشکیل یک «دولت تکنوکرات» در عراق است و می‌گوید آقای عبادی خودش حمایت خیابانی لازم برای انجام تغییرات را ندارد. (بی‌بی‌سی فارسی)

در درگیری میان نیروهای امنیتی عراق با حامیان مقتدی صدر، روحانی بانفوذ شیعه، دست‌کم پنج نفر کشته شدند. امروز ده‌ها هزار نفر از پیروان مقتدی صدر، در اعتراض به دولت در مرکز بغداد تجمع کردند. پلیس به سوی تظاهرکنندگان گاز اشک‌آور شلیک کرد. وزارت کشور عراق می‌گوید یک پلیس کشته شده است. تظاهرات‌کنندگان علیه دولت و فساد شعار می‌دادند و خواستار تغییر کمیسیونی بودند که بر انتخابات نظارت دارد. ظاهراً درگیری زمانی شدت گرفت که معترضان سعی کردند به سوی منطقه سبز بغداد حرکت کنند. منطقه سبز بغداد ناحیه‌ای است که مراکز

راکتیج: از مصدومیت ویدال ترسیدم



من در لحظه مصدومیت کنار او بودم و در نگاه اول به شدت ترسیدم. فکر می‌کنم مصدومیت او شدید بود؛ اما امیدوارم پیش‌بینی من غلط باشد و الکس هرچه زودتر به میادین بازگردد. بازیکن آلاوس خطای زشتی روی ویدال مرتکب شد.»

راکتیج در مورد بازی گفت: «از ابتدا بازی را خوب شروع کردم و تا لحظه گول اول، به خوبی صبوری به خرج دادیم. سوارز و مسی مهمترین بازیکنان بارسا هستند و همکاری آن‌ها توانست ما را از فشار رسیدن به گول خارج کند و سپس همه چیز عالی پیش رفت.»

سوارز به رکورد لوئیس انریکه رسید

مهاجم ارزننده اروگوئه‌یی بارسا توانست دو گول از ۶ گول تیمش را وارد دروازه آلاوس کند تا در ۱۲۸ بازی برای آبی‌اناری‌ها ۱۰۹ گوله شود. سوارز با این دو گول توانست در جدول گول‌زنان لالیگا به تنهایی در صدر بایستد. او حالا ۱۸ گوله است و بالاتر از مسی ۱۷ گوله قرار دارد. سرمربی بارسا پس از ۲۰۳ بازی خود برای این تیم توانسته بود ۱۰۹ گول به ثمر برساند.

کاپلو و پشیمانی از نرفتن به PSG

مواجه شد، سران باشگاه پاری سن ژرمن با من تماس گرفتند. ابتدا با پیشنهاد آن‌ها موافقت کردم اما در نهایت جواب رد دادم زیرا در آن زمان هدایت تیم ملی فوتبال روسیه را برعهده داشتیم. به خود گفتم که ترک کردن این تیم خیانت است. اکنون به خودم می‌گویم که تصمیم اشتباهی گرفتم چون فدراسیون فوتبال روسیه برخورد خوبی با من نداشت. به همین راحتی فرصت مربیگری در تیم بزرگ پاری سن ژرمن را از دست دادم.»

اونای امری در تابستان گذشته هدایت پاری سن ژرمن را بر عهده گرفت که این مربی اسپانیایی تاکنون نتوانسته انتظارات را بر آورده کند.

ونگر: آرسنال با خوش چانسی پیروز نشد

مقابله با چنین شرایطی را داشته باشید.» زمانی که از ونگر در مورد خوش‌چانسی تیمش در دیدار دیروز پرسیده شد این‌گونه پاسخ داد: «متأسفم اما من این موضوع را تایید نمی‌کنم. حرفه سرمربیگری به شکلی است که نباید خیلی روی آنچه گفته می‌شود تمرکز داشت و تمام فکر و تمرکز ما باید معطوف به مسئولیت و اتفاقاتی که در زمین مسابقه رخ می‌دهد باشد.»

الکس ویدال، مدافع راست بارسلونا در دقایق پایانی بازی دی‌شب برابر آلاوس از ناحیه مچ پا به شدت آسیب دید.

پیروزی ۶-۰ بارسا در زمین آلاوس با یک اتفاق تلخ همراه شد. مصدومیت ویدال که باعث شد او به بیمارستان منتقل شود، کام با رسانی‌ها را تلخ کرد. ایوان راکتیج که خود زنده گول پنجم بارسا در بازی دی‌شب بود، در پایان دیدار به خبرنگاران گفت: «همه چیز خوب بود تا مصدومیت ویدال. روند بازی و نتیجه پایانی عالی بود اما متأسفانه مصدومیت ویدال، حال همه را خراب کرد.»

لوئیس سوارز با دو گولی که وارد دروازه آلاوس کرد توانست با رکورد گول‌زنی سرمربی خود در بارسلونا برابری کند.

پیش از شروع دیدار دی‌شب آلاوس و بارسلونا، سوارز در ۱۲۷ بازی رسمی برای بارسا توانسته بود ۱۰۷ گول به ثمر برساند و این فرصت را داشت تا با زدن دو گول دیگر، به رکورد ۱۰۹ گول زده لوئیس انریکه برسد. در نهایت این اتفاق افتاد و

اسطوره مربیگری فوتبال ایتالیا، فاش ساخت که از پاری سن ژرمن پیشنهاد مربیگری داشته و حالا پشیمان است که پیشنهاد این تیم بزرگ فرانسوی را رد کرده است.

فابیو کاپلو یکی از مربیان بزرگ فوتبال ایتالیا به شمار می‌آید که در تیم‌های سرشناسی مربیگری کرده است.

این مربی ایتالیایی از دلیل رد پیشنهاد پاری سن ژرمن برای مربیگری کردن در این تیم سخن به میان آورد و گفت: «به شما بگویم که هیچ‌کسی به اندازه من به نیمکت پاری سن ژرمن نزدیک نبود. با این حال تصمیم گرفتم که به این تیم «نه» بگویم. وقتی لئوناردو (مدیر ورزشی) PSG با محرومیت



یکشنبه | ۲۴ دلو، ۱۳۹۵
سال ششم | شماره ۱۲۴۴



زیدان، رئال مادرید را ایتالیایی کرده‌است

چیرو فرارا، ستاره سابق تیم ملی ایتالیا، ناپولی و یونتوس، که زمانی با زیدان در یووه همبازی بود، به تحلیل کهنکشان‌ها در آستانه بازی حساس با ناپولی پرداخت.

رئال مادرید و ناپولی، چهارشنبه همین هفته در سانتیاگو برنابئو به مصاف هم خواهند رفت. دیداری در چارچوب مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان. هر دو تیم شرایط خوبی دارند. رئال صدرنشین لالیگا است و ناپولی نیز از ماه اکتبر دیگر شکستی تجربه نکرده و جمعه‌شب نیز با دو گول بر جنوبا غلبه کرد.

فرارا در مورد این بازی به گاترتا دل‌واسپورت گفت: «دوست من زیدان با ایجاد توازن بین خط دفاع و حمله، رئال مادرید را شبیه به تیم‌های ایتالیایی کرده است. رئال در برنابئو بازی خودش را خواهد کرد و انتظار نمایشی هجومی از این تیم را دارم؛ ولی اگر رئال در خط دفاعی فضاهای خالی زیادی به ناپولی بدهد، به مشکل برخورد می‌کند و این به نفع ما خواهد بود. مطمئنم که زیدان در مقابل ناپولی، تیمش را بیش از همیشه ایتالیایی روانه زمین خواهد کرد. کایخون و آلبیول که هر دو سابقه بازی برای رئال را دارند، می‌توانند دو مهره کلیدی ناپولی در این بازی باشند. آن‌ها می‌توانند به بازیکنان ناپولی، راه غلبه بر ترس از بازی در برنابئو را یاد بدهند.»



کلوپ: کوتینو بیش از حد به خودش سخت می‌گیرد

یورگن کلوپ، سرمربی لیورپول به کوتینو توصیه کرد که بیش از حد در تلاش است که به اوج برگردد و باید آرامش‌اش را حفظ کند. لیورپول در سال ۲۰۱۷ در لیگ برتر موفق به کسب پیروزی نشده‌اند و کوتینو که مدت زیادی به علت مصدومیت از میادین به دور بوده از نوامبر موفق به گول‌زنی نشده. با این حال کلوپ به حمایت از او پرداخت و مدعی شد که باید با آرامش بیشتری به روند رو به رشدش ادامه دهد. او گفت: «بله ما هر کاری انجام می‌دهیم. فیل از آن دسته افرادی است که در بازی تمام تلاشش را می‌کند. اوضاع برای او آسان نبوده. او تمام مسئولیت‌های جهان را برعهده می‌گیرد. تلاش بسیاری در تمرینات انجام می‌دهد. او تمرینات خوبی را در این هفته پشت سر گذاشت. نشانه‌های خیلی خوبی از او دیده‌ایم.»



اسطوره باشگاه آژاکس در گذشت

پی یت کایزر، اسطوره باشگاه آژاکس پس از مدت کوتاهی که به بیماری دچار شده بود، دیروز درگذشت. او که در طول دوران بازیگری‌اش تنها برای آژاکس به میدان رفت، بین سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۴، ۴۹۰ بازی برای این تیم انجام داد و ۱۸۹ گول به ثمر رساند و از اعضای تیمی بود که توتال فوتبال را پایه‌گذاری کردند. او ۶ قهرمانی لیگ هلند را در کارنامه‌اش به ثبت رسانده و در فهرست بیشترین بازی برای آژاکس، پس از سوارت، سوربیر و در کنار دنی بلیند، در رده چهارم قرار دارد. تنها گروت، سوارت، کرویف و فان رینن بیش از او برای آژاکس گول‌زنی کرده‌اند. همچنین کایزر ۳ قهرمانی چمپیونزلیگ نیز در کارنامه‌اش به ثبت رسانده است. او در ۳ فینال مقابل تیم‌های پاناتینایکوس، اینتر و یونتوس به میدان رفته و در کنار کرویف بزرگ، موفق به کسب قهرمانی در این رقابت‌ها شده است. کایزر همچنین ۳۴ بازی ملی و ۱۱ گول ملی در کارنامه‌اش دارد و به تیم ملی هلند کمک زیادی برای صعود به فینال جام ۱۹۷۴ کرد.

فیگو: مدیریت بارسا برای من احترام قائل نبود

زیادی بود که باعث شد مردم نیز تحت تأثیر قرار بگیرند.

لحظاتی در زندگی وجود دارد که شما تردید زیادی در مورد تصمیم‌گیری دارید و بین دو راهی قرار دارید اما زمانی که تصمیم‌گیری کردید دیگر راهی برای بازگشت وجود ندارد.

در هر حال از نظر من زمانیکه شما حتی یک درصد نیز از سوی مدیریت، نه از سوی هواداران مورد احترام نباشید و به رسمیت شناخته نشوید، در مورد پیشنهادات دیگر فکر می‌کنید و ممکن است تغییراتی ایجاد شود. این همان داستانی بود که برای من رخ داد.»

سوارز: صمیمیت خاصی با مسی دارم

دیگر دلیل صمیمیت من و مسی این است که تقریباً در رده سنی مشابهی قرار داریم. در بیرون از زمین مبنای صحبت‌های ما همیشه در مورد فوتبال نیست و ما اوقات زیادی را در کنار همسران و فرزندان‌مان می‌گذرانیم. مسی انسان بسیار متواضعی است و رفتارش همانند یک فرد عادی در جامعه است و به همین دلیل دوستی من و او بسیار صمیمانه است.»

آنچلوتی:

تلاش کردم فیلیپ لام را منصرف کنم

ما باید تصمیم لام را بپذیریم و من اطمینان دارم او تا پایان با رویکردی حرفه‌یی در کنار ما خواهد بود. پیدا کردن مدافعی مانند فیلیپ لام دشوار است و این موضوع یکی از مشکلات اساسی ما برای فصل آینده است.»

شرایط روبن ریبری و آلونسو: «ما هیچ مشکلی با این دو بازیکن نداریم و آن‌ها قطعاً فصل آینده در کنار ما خواهند ماند. ژابی آلونسو نیز هنوز در مورد آینده تصمیم نگرفته و همه چیز در ماه‌های بعدی مشخص می‌شود. امیدوارم او نیز کنار ما بماند.»

گواردیولا:

فوتبال از خداحافظی لام ضربه می‌بیند

روی دیدار بعدی باشد.» کابایرو یا براوو: «هنوز چیزی نمی‌دانم زیرا در روز مسابقه در این رابطه تصمیم‌گیری خواهم کرد. اما عقیده ام در مورد براوو تغییر نکرده و هنوز او را بازیکن بزرگی می‌دانم. نمی‌دانم که امکان استفاده از سیستم چرخشی وجود دارد یا خیر زیرا تمام فکر من معطوف به بازی بعدی است و به مسائل خیلی دور فکر نمی‌کنم.» خداحافظی فیلیپ لام در پایان فصل: «او در زندگی من شخصیت ویژه‌یی محسوب می‌شود و از نظر من فوتبال در پایان فصل یکی از بهترین بازیکنان همه ادوار خود را از دست خواهد داد.»

نیمکت نشینی نولیتو: «او همه کار برای اثبات خود انجام داده و تنها نیاز دارد که سرمربی او را در ترکیب قرار دهد اما فراموش نکنیم که استرلینگ و گابریل در شرایطی آرمانی قرار دارند و این موضوع دلیل اصلی نیمکت نشینی نولیتو به شمار می‌آید.»

لوئیس فیگو، ستاره پرتگالی و سابق بارسا و رئال از دلایل جدایی خود از بارسا و پیوستن به تیم رقیب صحبت کرد.

در تابستان سال ۲۰۰۰ یکی از جنجالی‌ترین انتقال‌های تاریخ فوتبال با پیوستن فیگو از بارسا به رئال رقم خورد که عواقب آن تا مدت‌ها گریبانگیر هافبک پرتگالی بود.

فیگو گفت: «جدایی از بارسلونا آسان نبود و من به خاطر این انتقال فشار زیادی را متحمل شدم. در آن مقطع تنها بحث اقتصادی و ورزشی در میان نبود و دلایل

لوئیس سوارز، ستاره اروگوئه‌یی و گول‌زن بارسلونا در مورد رابطه خود با لیونل مسی، گول‌زن ارجنتاینی و هم‌تیمی خود صحبت کرد.

به نظر می‌رسد صمیمیت خاصی بین سوارز و لیونل مسی وجود دارد و معمولاً این ستاره تأثیرگذار بارسلونا در کنار یکدیگر دیده می‌شوند.

سوارز گفت: «همیشه رابطه خوبی بین اروگوئه‌یی‌ها و ارجنتاینی‌ها وجود داشته و البته

کارلو آنچلوتی، سرمربی ایتالیایی بایرن مونیخ در مورد تصمیم خداحافظی فیلیپ لام، کاپیتان باتجربه بایرن صحبت کرد.

چند روز پیش فیلیپ لام فاش کرد که در پایان فصل از دنیای حرفه‌یی خداحافظی خواهد کرد و هنوز تصمیمی در مورد آینده نگرفته است.

خداحافظی فیلیپ لام: «با فیلیپ لام صحبت کردم و سعی کردم او را متقاعد کنم اما او تاکید داشت که می‌خواهد ۱۰۰ درصد آماده باشد و با ۹۰ درصد آمادگی نیز بازی نخواهد کرد.»

پپ گواردیولا، سرمربی اسپانیایی سیتی در مورد دیدار دوشنبه شب تیمش در برابر بورنموث صحبت کرد.

سیتیزن‌ها برای ادامه روند رو به رشد و نزدیک شدن به صدر باید بورنموث را در خانه حریف مغلوب کنند.

دیدار برابر بورنموث: «این تیم شروع فوق‌العاده‌یی داشته و عملکرد آن‌ها در سال‌های اخیر قابل ستایش است. بورنموث بازیکنان سرعتی زیادی در ترکیب دارد که می‌توانند در ارائه ضدحمله‌ها خطرناک به آن‌ها کمک کنند و همین موضوع دیدار برابر این تیم را دشوار می‌سازد. آن چیزی که من از تیمم در نیمه اول دیدار برابر سوانسی دیدم دقیقاً مطابق خواسته‌های من بود زیرا با کنترل و تعادل بیشتری بازی کردیم اما هر دیدار داستان متفاوتی دارد. بازی‌های زیادی در جام‌های مختلفی تا پایان باقی مانده و تمام تمرکز ما باید تنها

کسانی هم که تلاش دارند این معرف‌های هویتی به‌خصوص کلمه‌ی «افغان» در تذکره‌ی الکترونیک درج شود، معتقد اند که عدم این کار برخلاف سنت سه‌صد ساله‌ی حاکم بر جامعه و سیاست افغانستان می‌باشند.

توزیع تذکره‌های الکترونیک، جمعیت کشور را به‌گونه‌ی دقیق مشخص خواهد کرد. از آنجایی که در حال حاضر جمعیت افغانستان به‌گونه‌ی تقریبی برآورد می‌شود و هیچ سرشماری مشخصی وجود ندارد، توزیع تذکره‌های الکترونیک اهمیت خاص دارد و این کار فراتر از درج معرف‌های هویتی در تذکره‌ها، می‌تواند نقش اقوام را در مناسبات سیاسی و بهره‌مندی از تقسیم قدرت و امتیازات ملی نیز دگرگون سازد. تقسیم قدرت و مشارکت فعلی اقوام در سیاست افغانستان بر مبنای شعاع وجودی آنان در ساختار اجتماعی است که این شعاع وجودی برحسب برآوردها و پیش‌فرض‌های کهنه و فرسوده استوار می‌باشند.

تذکره‌ی الکترونیک: بن‌بست در اصلاح نظام انتخاباتی

اصلاح نظام انتخاباتی یکی از تعهدات اساسی حکومت وحدت ملی بود. در واقع این کار بخشی از توافق‌نامه‌ی تشکیل حکومت وحدت ملی بود. توزیع تذکره‌های الکترونیک به‌مثابه‌ی بخشی از این فرایند نیز جزو موافقت‌نامه‌ی تشکیل حکومت وحدت ملی بود. این کار در واقع بخش اجتناب‌ناپذیر برنامه‌ی اصلاحات در نظام انتخاباتی بود که با توقف آن به نظر می‌رسد کل این روند با بن‌بست مواجه شده است.

ظاهراً توزیع تذکره‌های الکترونیک از دستور کار حکومت خارج شده و توقع نمی‌رود دست‌کم تا برگزاری انتخابات آتی، این کار انجام شود. هرچند حکومت برخی اقداماتی را در زمینه‌ی اصلاح نظام انتخاباتی انجام داده است، اما این اقدامات، در حدی نیست که بتواند مانع تکرار تجربه‌ی ناکام انتخابات‌های گذشته شود. توزیع هزاران تذکره‌ی تقلبی، توزیع کارت‌های رأی‌دهی تقلبی و نبود سرشماری دقیق از جمعیت کشور و حوزه‌های رأی‌گیری، برگزاری انتخابات شفاف را با چالش‌های جدی مواجه خواهد کرد. در نبود تذکره‌های الکترونیک، هیچ‌یک از اقدامات دیگر از جمله توزیع کارت‌های جدید رأی‌گیری و تعیین فهرست رای‌دهندگان که فعلاً در دستور کار کمیسیون‌های انتخاباتی است، نمی‌تواند چالش‌ها را برطرف کند. سوءاستفاده در انتخابات را مرتفع سازد، زیرا سالانه هزاران تذکره‌ی تقلبی و چندین تذکره به‌شکل همزمان برای افراد توزیع می‌شوند که نمی‌توان جلو تقلب را در هنگام توزیع کارت‌های رأی‌دهی و ثبت نام آنان، گرفت.

حکومت با تعلل در توزیع تذکره‌های الکترونیک، عملاً روند اصلاح نظام انتخاباتی را به بن‌بست کشاند. اقداماتی را که حکومت تاکنون انجام داده است، آن تعهداتی نیست که در زمان تشکیل حکومت وحدت ملی به مردم داده بودند و دو جناح نیز بر سر آن مصالحه کرده بودند. حالا به نظر می‌رسد هر دو جناح در حکومت وحدت ملی، از تعهدات خود عقب‌نشینی کرده‌اند و توافق کرده‌اند که به اقدامات نمادین برای اصلاح نظام انتخاباتی اکتفا کنند و دوران خود را با همین اقدامات به پایان برسانند. بدون شک، این کار شرایط را برای برگزاری انتخابات در آینده دشوارتر خواهد کرد و تجربه‌ی ناکام انتخابات گذشته، بن‌بست‌های بیشتری را به‌وجود خواهد آورد.

تذکره‌ی الکترونیک و سر نوشت مبهم اصلاح نظام انتخاباتی

عرفان مهران



قانون ثبت احوال نفوس را تعدیل کرد و پیشنهاد کرده است که تذکره‌های الکترونیک حاوی واژه‌ی افغان و قومیت افراد باشد. این طرح هم ظاهراً اختلافات در این زمینه را حل و فصل نکرده و مجلس نمایندگان تاکنون از بررسی طرح تعدیل قانون ثبت احوال نفوس خودداری کرده است.

«ملت» و «قومیت»: مساله در کجا است؟

ظاهراً تمامی اختلافات در مورد شناسنامه‌های الکترونیک روی دو مفهوم «ملت» و «قومیت» می‌چرخد. مخالفان درج این دو معرف هویتی، معتقد اند که کلمه‌ی «افغان» نمی‌تواند معرف هویتی تمامی اقوام افغانستان باشد. از نظر آنان، کسانی که بر درج این کلمه در شناسنامه‌های الکترونیک تاکید دارند، تلاش می‌کنند تا هویت قوم مشخص (پشتون) را بر دیگر اقوام افغانستان تحمیل کنند. از طرف دیگر، درج هویت قومی افراد به‌تنهایی نیز کافی نیست و این امر ممکن است شکاف‌های قومی در افغانستان را تشدید کند (چنانکه در این راستا حامیان بین‌المللی افغانستان در چند مورد به مقامات حکومت افغانستان یادآوری کرده‌اند و هشدار داده‌اند که تجارب جهانی دست‌کم در چهار مورد نشان می‌دهد که درج هویت قومی منجر به جنگ و کشتارهای قومی شده است).

شود و در پشت آن تمامی مشخصات به زبان انگلیسی درج شود. مشخصات ابتدایی افراد مانند نام، نام خانوادگی، نام پدر، تاریخ و محل تولد، سکونت اصلی و فعلی درج این شناسنامه‌ها خواهد بود. علاوه بر آن، دین افراد نیز در این شناسنامه‌ها درج خواهد شد. یکی از موضوعات جنجال‌برانگیز در مجلس نمایندگان، چگونگی ثبت قومیت افراد بود. برخی‌ها می‌گفتند تنها ذکر کلمه‌ی «افغان» در شناسنامه‌ها کافی است و برخی دیگر تلاش می‌کردند که در کنار واژه‌ی «افغان» قومیت افراد نیز ذکر شود. در آن زمان، نمایندگان پس از بحث‌های مفصل سرانجام به این نتیجه رسیدند که هیچ‌یک از معرف‌های هویتی فوق در شناسنامه‌ها درج نشود و تنها «جمهوری اسلامی افغانستان» درج این شناسنامه‌ها گردد.

رئیس جمهور غنی، قانون ثبت احوال نفوس را که توسط مجلس نمایندگان به تصویب رسیده بود، در سال ۲۰۱۴م توشیح کرد. اما با این وجود روند توزیع شناسنامه‌های الکترونیک آغاز نشد و موج جدید اختلافات بر سر درج واژه‌های «افغان» و قومیت افراد بالا گرفت. در ماه حمل سال جاری سرور دانش معاون دوم ریاست‌جمهوری اعلام کرد که کمیته‌ی قوانین، طرح تعدیل قانون ثبت احوال نفوس را آماده کرده است. این طرح ماده‌ی جنجالی

جنجال‌ها بر سر توزیع تذکره‌های الکترونیک در افغانستان با گذشت هر روز ابعاد تازه‌ی می‌گیرد. قرار بود روند توزیع تذکره‌های الکترونیک در سال ۲۰۱۴م آغاز شود و حکومت وعده داده بود تا پایان این سال دست‌کم برای ۱۴ میلیون نفر تذکره‌ی الکترونیک توزیع کند. اما این وعده محقق نشد و علی‌رغم تمامی آمادگی‌ها برای آغاز این روند، حکومت دست از این کار برداشت. چند روز قبل اداره‌ی ثبت احوال نفوس افغانستان اعلام کرد که این اداره طرح توزیع تذکره‌های کتابچه‌ی را به ریاست‌جمهوری فرستاده و در صورتی که رئیس‌جمهور این طرح را تایید کند، روند توزیع آن به شهروندان آغاز خواهد شد. با این حساب در صورتی که حکومت روند توزیع تذکره‌های کتابچه‌ی را آغاز کند، توزیع تذکره‌های الکترونیک دست‌کم برای مدت‌های بیشتری متوقف خواهد شد و این پروسه‌ی ملی که قرار بود مدت‌ها قبل آغاز شود، کماکان در حال تعلیق باقی خواهد ماند.

مشخصات تذکره‌ی الکترونیک

مجلس نمایندگان در ماه جوزای سال ۱۳۹۲ قانون ثبت احوال نفوس افغانستان را به تصویب رساند. بر اساس قانون ثبت احوال نفوس، تذکره‌های الکترونیک باید به دو زبان ملی دری و پشتو چاپ

تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

DUBAI

JEDDAH

ISTANBUL

ANKARA

MOSCOW

URUMQI

DELHI

- 1 مسافری محترم آریانا می‌توانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- 2 سهولت انتخاب سیت برای مسافری محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافری محترم می‌توانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- 3 شرکت های سیاحتی می‌توانند برای مسافری گروپی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.